

تحلیلی بر اندازه و شیوه حمایت از بخش کشاورزی ایران در نیمه اول دهه هشتاد

امید گیلانپور*

مینا حجازی**

چکیده

کشور ما به عنوان کشور درحال توسعه صادرکننده نفت با درآمد سرانه متوسط رو به پایین، در خصوص توان حمایت از بخش کشاورزی دارای وضعیت دوگانه ای است. چرا که از یک سو به عنوان کشور صادرکننده نفت دارای یک منبع بیرونی درآمدی است و از سوی دیگر این منبع آن اندازه بزرگ نیست که درآمد سرانه بالایی را برای کشور ایجاد نماید. لذا لزوماً می‌باید از کارآترین ابزارهای حمایتی برای هر ریال یارانه پرداختی به بخش کشاورزی استفاده نمود. این مقاله می‌کوشد تصویری تا حد ممکن روشن از وضعیت موجود حمایت از بخش کشاورزی در کشور ارائه کند و با تحلیل تغییرات آن طی نیمه اول دهه هشتاد، مقدمات لازم برای بازنگری در سیاست‌های حمایتی بخش را فراهم آورد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بخش بزرگ‌تری از یارانه پرداختی به بخش کشاورزی مربوط به یارانه نهاده‌های تولید است که بخش بزرگی از آن یارانه ناخواسته ای است که در اثر سیاست‌های حمایت از مصرف‌کنندگان به صورت ضمنی نصیب این بخش می‌گردد.^(۱)

واژگان کلیدی

حمایت از بخش کشاورزی، معیار کلی حمایت، جعبه زرد، ایران

*: استادیار و مدیرگروه پژوهشی بازاریابی و تجارت خارجی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه

E-mail:omid.gilanpour@gmail.com

روستایی

** : کارشناس ارشد مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

E-mail:hejazimina@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱

۱- مقدمه

تحت تأثیر مداخلات دولت‌ها قرار دارد. البته این بدان معنا نیست که میزان و شیوه حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته همسان است. طبیعی است که دولت‌های توسعه یافته به واسطه مالیات ستانده شده از بخش‌های ثروتمند صنعت و خدمات از توان مالی بیشتری برای حمایت از بخش کشاورزی برخوردارند. اما در همین کشورها هم کارآمدی مداخلات به یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها بدل شده است. طبیعی است که دغدغه کارآمدی مداخلات در کشورهای درحال توسعه ای که اساساً منبع مالی لازم برای چنین مداخلاتی وجود ندارد، می‌باید دوچندان باشد. این مهم نیز در گروه انتخاب ابزارهای سیاستی مناسب و کارآمد است.

کشور ما به عنوان کشوری درحال توسعه با درآمد سرانه متوسط از یک سو به عنوان کشور صادرکننده نفت دارای یک منبع بیرونی درآمدی است و از سوی دیگر این منبع آن اندازه بزرگ نیست که درآمد سرانه بالایی را برای کشور ایجاد نماید. لذا لزوماً می‌باید از کاراترین ابزارهای حمایتی برای پرداخت هر ریال یارانه پرداختی به این بخش کشاورزی استفاده نمود. بدیهی است

بسیاری از اقتصاددانان کشاورزی همچون هونما، هایامی، تایرزواندرسون اعتقاد دارند که انتقال از یک اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به یک اقتصاد مبتنی بر صنعت مستلزم استفاده از سیاست‌های حمایت‌گرایی است. چرا که تغییرهمزمان تکنولوژی و گسترش سرمایه منجر به افزایش کارایی اقتصادی بخش‌ها و درآمد افراد می‌شود، ولی از آنجا که کارایی در بخش صنعت به طور نسبی از بخش کشاورزی بیشتر است و براساس قانون انگل افزایش درآمد سبب می‌گردد سهم کمتری از درآمد صرف مواد غذایی شود، بنابراین می‌توان گفت رابطه مبادله به زیان بخش کشاورزی تغییر کرده و سهم این بخش در تولید ناخالص ملی و مزیت نسبی کاهنده است (موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۱، ص ۳). لذا در چنین شرایطی لازم است از تولیدکنندگان داخلی بخش کشاورزی در مقابل کاهش درآمد حمایت شود.

بر مبنای چنین استدلالی، بخش کشاورزی بنا به ویژگی‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود در همه کشورها اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه همواره

می‌شود، اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص در سطح مزرعه اندازه‌گیری می‌گردد و متشکل از هشت جزء حمایت قیمتی^۲، پرداخت براساس تولید^۳، پرداخت براساس سطح کاشته شده و یا تعداد دام نگهداری شده^۴، پرداخت بر مبنای سابقه مشارکت در برنامه‌های کشاورزی^۵، پرداخت بر اساس مصرف نهاده^۶، پرداخت بر اساس عدم مصرف نهاده^۷، پرداخت بر اساس کل درآمد مزرعه و یا تولیدکننده^۸ و سایر پرداخت‌هاست. به رغم دقت معیار تخمین حمایت از تولیدکننده، اندازه‌گیری آن نیازمند سامانه آماری است که تنها در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۹ و چند کشور با اقتصاد در حال انتقال (استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، روسیه و جمهوری چک) در دسترس است. در عین حال این شاخص با روش‌های متفاوت برای چند کشور در حال توسعه نیز محاسبه شده است (کیانی‌راد، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲).

2. Market Price Support(MPS)
3. Payments based on Output
4. Payments based on area planted / animal numbers
5. Payments based on historical entitlements
6. Payments based on input use
7. Payments based on input constraints
8. Payments based on overall farming income
9. Organization for Economic Cooperation & Development (OECD)

که انجام این مهم در گام نخست مستلزم اندازه‌گیری میزان حمایت موجود در بخش می‌باشد. این مقاله می‌کوشد تا حد ممکن تصویر روشنی از وضعیت موجود حمایت از بخش کشاورزی کشور ارائه کند و با تحلیل تغییرات آن طی نیمه اول دهه هشتاد، مقدمات لازم برای بازنگری در سیاست‌های حمایتی بخش را در کارهای آتی فراهم آورد.

۲- چگونه می‌توان حمایت از بخش کشاورزی را اندازه‌گیری کرد؟

از شاخص‌های مختلفی برای تعیین اندازه حمایت از بخش کشاورزی می‌توان استفاده نمود که این شاخص‌ها می‌تواند برای هر کدام از محصولات تولیدی بخش به طور مجزا و یا برای کل بخش کشاورزی محاسبه گردند.

دقیق‌ترین ابزار موجود برای اندازه‌گیری حمایت از بخش کشاورزی، معیار تخمین حمایت از تولیدکننده^۱ (PSE) است که ارزش ناخالص سالیانه کلیه پرداخت‌هایی را (صرف نظر از ماهیت، اهداف یا اثرات آنها بر تولید یا درآمد) که به منظور حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی انجام

1. Producer Support Estimate(PSE)

معیار کلی حمایت^{۱۰} (AMS) از بخش کشاورزی معیار دیگری برای اندازه‌گیری حمایت از بخش کشاورزی است که به رغم دقت کمتر به نسبت تخمین حمایت از تولیدکننده (PSE)، تقریباً در تمامی کشورها قابل اندازه‌گیری است. این خصوصیت سبب شده تا در موافقتنامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت از این معیار برای اندازه‌گیری حمایت از بخش کشاورزی استفاده شود. این معیار سنج‌های است که آن بخش از حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی را که مستقیماً مختل کننده تجارت هستند، برحسب معیار پولی اندازه‌گیری می‌کند (گیلانپور و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۳۰). در ادبیات سازمان جهانی تجارت از این معیار تحت عنوان جعبه زرد یاد می‌شود. بدیهی است که اندازه معیار کلی حمایت کمتر از معیار تخمین حمایت از تولیدکننده است، چرا که اولاً حمایت‌های مرزی انجام شده از بخش کشاورزی را در نظر نگرفته و دیگر آنکه حمایت‌هایی که مستقیماً مختل کننده تجارت نیستند و در ادبیات سازمان جهانی تجارت در دو جعبه سبز و آبی طبقه‌بندی می‌گردد، از جعبه زرد جدا می‌شوند. نمودار (۱) رابطه بین معیار کلی حمایت و

معیار تخمین حمایت از تولیدکننده را نشان می‌دهد.

۱-۲- نحوه محاسبه معیار کلی حمایت

معیار کلی حمایت را می‌توان به دو دسته حمایت‌های منتسب به محصول و حمایت‌های عامی که مختص هیچ محصول خاصی نیست (غیر منتسب به محصول) تقسیم بندی نمود (رابطه ۱). حمایت منتسب به محصول، خود شامل حمایت‌های قیمتی از محصول و پرداخت یارانه به نهاده‌های تولیدی است (رابطه ۲).

معیار کلی حمایت از بخش کشاورزی را می‌توان با استفاده از روابط زیر محاسبه نمود:

$$(۱) TAMS = \sum_{i=1}^n AMS_i + \sum_{k=1}^k EMS_k$$

$$(۲) AMS_i = (P_{id} - P_{iw}e)Q_i + \sum_{j=1}^m S_{ij}$$

$$(۳) S_j = (r_{jw}e - r_{jd})q_j$$

$$(۴) AMS_i = (P_{id} - P_{iw}e)Q_i + \sum_{j=1}^m (r_{jw}e - r_{jd})q_j$$

که در آنها:

TAMS : مجموع معیار کلی

حمایت

AMS_i : معیار کلی حمایت مربوط

به محصول i

مورد نیاز می‌باشد. براساس موافقتنامه کشاورزی (AOA) برای محصولات وارداتی از قیمت CIF و برای محصولات صادراتی از قیمت FOB به‌عنوان قیمت مرجع ثابت خارجی استفاده شده است. در مواردی که اطلاعات قیمتی در دسترس نبود (به عبارت دیگر ایران واردکننده یا صادرکننده آن محصول نیست) یا به هر علتی دسترسی به این آمار وجود نداشت، از قیمت‌های CIF و FOB کشورهای همسایه استفاده شده است. تفاوت قیمت تضمینی و قیمت مرجع خارجی در مقدار محصول خریداری شده توسط دولت ضرب و حمایت قیمتی برآورد شده است. باید توجه داشت که به‌واسطه وجود حمایت‌های مرزی و تأثیر متقابل آن بر حمایت‌های داخلی، حمایت قیمتی حاصل شده از روش فوق را می‌باید زیربرآوردی از مقدار داخلی حمایت قیمتی دانست (Anania, 1997, p164; De Gorter , Ingco, 2002, p3)

نهاده‌های یارانه‌ای که در اختیار تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایران قرار می‌گیرند، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول نهاده‌هایی که مختص تولید بخش کشاورزی بوده و سایر بخش‌های اقتصادی در مصرف آن رقیب بخش

EMS: معادل معیار کلی حمایت غیر متناسب به محصول خاص
 P_{di} : قیمت داخلی محصول i
 P_{iw} : قیمت جهانی محصول i
 T_{jw} : قیمت جهانی نهاده j
 T_{jd} : قیمت داخلی نهاده j
 e : نرخ ارز

Q_i : مقدار محصول i مشمول قیمت حمایتی
 q_j : مقدار نهاده j مشمول دریافت یارانه
 S_{ji} : مقدار یارانه پرداختی به نهاده j منسوب به محصول i است.

حمایت‌های غیر تجاری مختل‌کننده تجارت از بخش کشاورزی ایران همچون بسیاری از کشورهای جهان به دو صورت کلی انجام می‌شود. نخست حمایت قیمتی که عمدتاً به صورت خرید تضمینی محصولات کشاورزی انجام می‌شود. دوم حمایت نهاده‌ای از تولیدکنندگان بخش کشاورزی که به صورت توزیع نهاده‌های یارانه‌ای صورت می‌گیرد.

برای محاسبه حمایت قیمتی از محصولات کشاورزی، قیمت تضمینی به عنوان قیمت مداخله‌ای داخلی در نظر گرفته شده است. قیمت مرجع خارجی دومین موردی است که برای محاسبه حمایت قیمتی

کشاورزی نیستند (مانند انواع سموم و کودهای شیمیایی) و دسته دوم نهاده‌هایی که بخش کشاورزی در مصرف آنها رقیب سایر بخش‌های اقتصادی است (مانند آب، حامل‌های انرژی و اعتبارات).

قیمت داخلی نهاده‌های کشاورزی مانند انواع کودهای شیمیایی، سموم دفع آفات نباتی و علف کش از آمارهای ثبتی شرکت خدمات حمایتی به دست آمده‌اند. اما به دلیل تنوع سموم و علف کش‌ها و متفاوت بودن قیمت هر نوع آنها از متوسط قیمت سموم و علف کش در مطالعه استفاده شده است. در مورد قیمت پایه خارجی نیز همچون محصولات کشاورزی از قیمت پایه CIF نهاده‌های وارداتی و FOB نهاده‌های صادراتی استفاده شده است.

برای محاسبه دقیق تر میزان حمایت نهاده ای که از تفاضل قیمت وارداتی و قیمت داخلی در میزان توزیع داخل به دست می‌آمده، به اجزاء جزئی تر تبدیل شده است. به این معنا که میزان توزیع داخل به دو جزء میزان تولید داخلی و میزان واردات تفکیک شده و قیمت وارداتی در میزان واردات ضرب شده و میزان تولید داخل در شرایطی که می‌توانست به خارج صادر شود، در قیمت فوب یا همان قیمت صادراتی ضرب شده و

جمع تفاوت این دو با قیمت فروش داخلی در میزان توزیع کود و سم به عنوان حمایت نهاده‌ای کود و سم برآورد شده است. قابل ذکر است که در این روش از بیش برآورد از مقدار حمایت نهاده‌ای برای کود و سم جلوگیری شده است.

یارانه انرژی از تفاضل قیمت حامل‌های بنزین، نفت سفید، نفت گاز، برق و گاز عرضه شده به تولیدکنندگان بخش کشاورزی در داخل کشور و خلیج فارس محاسبه شده است. همچنین برای محاسبه یارانه اعتبارات از مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی و بالاترین نرخ سود تسهیلات در سایر بخش‌ها محاسبه شده است، در اینجا با کسر این دو نرخ سود، مسئله تورم نیز به طور خودکار حل می‌شود. در نهایت یارانه محاسبه شده برای نهاده آب نیز از مابه‌التفاوت قیمت آب کشاورزی و بالاترین قیمت آب در سایر بخش‌ها محاسبه شده است.

۳- نتایج و تحلیل آن

دقت در جدول (۱) نشان می‌دهد که میزان کل حمایت از بخش کشاورزی طی دوره مورد بررسی با یک روند همواره صعودی از ۱۷۲۹۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ با نرخ رشد سالیانه حدود ۲۶ درصد، به ۵۳۹۵۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ رسید.

ریال در سال ۱۳۸۱ سهم حمایت قیمتی را در سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی ایران به شدت کاهش داده است. در حالی که نسبت حمایت قیمتی از کل حمایت در سال ۱۳۸۰ حدود ۴۲ درصد بوده، این نسبت در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ به کمتر از ۱۵ درصد کاهش یافت. سهم حمایت از ارزش تولید بخش کشاورزی طی این دوره بین حدود ۱۶ درصد در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ تا ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۳ در نوسان بوده است. تغییر سهم حمایت از ارزش تولید بخش کشاورزی طی دوره مورد بررسی را می‌توان در نمودار (۲) مشاهده کرد.

دقت در ترکیب حمایت نهاده‌ای انجام شده از بخش کشاورزی ایران نشان می‌دهد که یارانه پرداختی به حامل‌های انرژی بزرگ‌ترین بخش حمایت نهاده‌ای را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، کاهش شدید ارزش پول ملی سبب افزایش اندازه حمایت نهاده‌ای می‌شود. لذا کاهش ارزش ریال در سال ۱۳۸۱ اندازه مطلق و سهم حمایت‌های نهاده‌ای مربوط به کود و سم و حامل‌های انرژی را که تحت تأثیر نرخ ارز قرار دارند، به نحو محسوسی افزایش داده است.

البته سرعت افزایش حمایت در سال‌های مختلف یکسان نبود، به نحوی که نرخ رشد حمایت در این دوره بین ۳۹ تا ۰/۵ درصد در نوسان بوده است. نکته مهمی که در تحلیل تغییرات میزان حمایت طی دوره مورد بررسی باید به آن توجه شود، کاهش شدید ارزش پول ملی در سال ۱۳۸۱ است. با توجه به تأثیر به ترتیب معکوس و مستقیم کاهش ارزش ریال بر حمایت قیمتی و نهاده‌ای علی‌القاعده نمی‌توان میزان حمایت در سال ۱۳۸۰ را با دیگر سال‌ها مقایسه نمود (گیلانپور و حجازی، ۱۳۸۸).

نوسان سالیانه حمایت قیمتی طی دوره مورد بررسی به مراتب بیش از کل حمایت بوده، به نحوی که حتی با حذف سال ۱۳۸۰ از دوره بررسی به رغم رشد سالیانه حدود ۲۴ درصدی طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵، نرخ رشد سالیانه حمایت قیمتی بین حدود ۰/۱ تا ۷۷ درصد در نوسان بوده است. عمده‌ترین دلایل این امر را باید در فقدان رویه باثباتی در تعیین قیمت تضمینی محصولات کشاورزی در کشور و نوسان زیاد قیمت جهانی محصولات در بازارهای جهانی جستجو کرد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، کاهش شدید ارزش پول ملی سبب کاهش اندازه حمایت قیمتی می‌شود. لذا کاهش ارزش

در تحلیل جدول (۲) قبل از هر چیز می‌باید به تفاوت شدید قیمت دلار در سال ۱۳۸۰ با دیگر سال‌ها توجه داشت. بیش ارزش‌گذاری شدید ریال در سال ۱۳۸۰ سبب شده است تا میزان حمایت از نهاده‌های قابل تجارتي مثل کود و سم و انرژی به شدت دچار کم‌برآوردی شود. دو نکته بسیار مهمی که در جدول (۲) می‌باید مورد توجه قرار گیرند، تأثیر سیاست تثبیت قیمت حامل‌های انرژی و نرخ سود بانکی بر روند حمایت است. همان‌طور که در نمودار (۳) به وضوح پیداست، تثبیت قیمت‌های انرژی در داخل در کنار افزایش قیمت آنها در سطح بین‌المللی سهم یارانه انرژی از کل حمایت نهاده‌ای را به حدود ۵۸ درصد رسانده است. در واقع می‌توان گفت بخش بزرگی از یارانه پرداختی به بخش یارانه ناخواسته ای است که در اثر سیاست‌های حمایت از مصرف‌کنندگان به صورت ضمنی نصیب بخش می‌گردد. در مقابل کاهش نرخ بهره بانکی اندازه و سهم یارانه اعتبارات را در بخش کاهش داده است. البته اثر مختل‌کنندگی سیاست کاهش نرخ بهره بر اقتصاد کلان ایران در اینجا مورد توجه نبوده است.

۴- فرجام

۱. سیاست‌های کلان اقتصادی به نحو موثری سیاست‌های کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. روند متفاوت حمایت در سال ۱۳۸۰ شاهد بارزی بر تأثیرپذیری میزان حمایت از سیاست ارزی کشور است. لذا قبل از اصلاح سیاست‌های کشاورزی می‌باید به اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی اهتمام نمود.

۲. فقدان رویه باثبات در تعیین قیمت تضمینی محصولات کشاورزی در کشور و نوسان زیاد قیمت جهانی محصولات موجب نوسان بیشتر حمایت قیمتی به نسبت کل حمایت شده است. لازم است با پذیرش اثر مختل‌کننده سیاست‌های قیمتی، جهت‌گیری مشخصی را که قاعداً می‌باید کاهش باشد، تعیین و اعمال نمود.

۳. بخش بزرگ‌تری از یارانه پرداختی به بخش کشاورزی مربوط به یارانه نهاده‌های تولید است که بخش بزرگی از آن یارانه ناخواسته ای است که در اثر سیاست‌های حمایت از مصرف‌کنندگان به صورت ضمنی نصیب بخش می‌گردد. طبعاً چنین حمایت‌هایی موجب افزایش کارایی در بخش نخواهد شد. در حالی که می‌باید یارانه‌ها به صورت مشخص و زمان دار و مشروط به

the WTO Trade Negotiations on Agriculture: Issues and Suggestions for New Rules, Agriculture and Rural Development(ARD)

6. Anania,G., (1997),Policy Choices and interdependence of country decisions in the implementation of the 1994 GATT Agreement on agriculture, *European Review of Agricultural Economics*,161-181

ضمائم

جدول(۱): میزان حمایت از بخش کشاورزی ایران به قیمت جاری به تفکیک شیوه و سهم آن از ارزش تولید

میلیارد ریال- درصد

رقم	حمایت قیمتی (۱)	حمایت نهاده ای (۱)	کل حمایت (۱)	ارزش تولید (۲)	سهم حمایت از ارزش تولید (۱)
۱۳۸۰	۷۱۹۵	۱۰۰۹۸	۱۷۲۹۳	۱۱۱۰۹۵	۱۵,۶
۱۳۸۱	۳۲۵۱	۲۰۵۲۵	۲۳۷۷۶	۱۴۱۲۷۴	۱۶,۸
۱۳۸۲	۳۴۰۶	۲۳۱۴۵	۲۶۵۵۱	۱۶۷۶۰۹	۱۵,۸
۱۳۸۳	۴۳۶۱	۳۲۴۷۶	۳۶۸۳۷	۲۰۳۵۴۶	۱۸,۱
۱۳۸۴	۷۷۰۲	۴۵۹۴۲	۵۳۶۴۴	۲۲۶۶۶۸	۲۳,۷
۱۳۸۵	۷۷۰۸	۴۶۲۴۴	۵۲۹۵۲	۲۷۰۸۹۰	۱۹,۹

مأخذ: (۱) نتایج مطالعه

(۲) بانک مرکزی ج.ا.ایران

افزایش کارایی در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرند.

پانویس

۱. یافته ها، تعبیرات و نتایج این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و الزاماً نظرات موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی نیست.

منابع فارسی

- کیانی راد، ع. (۱۳۸۶)، برآوردهای حمایت از بخش کشاورزی (PSE) در کشورهای در حال توسعه: مشکلات اندازه گیری و رهیافت ها برای ایران، ششمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد.
- گیلانپور، ا. م. حجازی، (۱۳۸۸)، تأثیر بیش ارزش گذاری ریال بر میزان و ساختار حمایت داخلی در بخش کشاورزی ایران، *مجله اقتصاد و کشاورزی* - در دست چاپ
- گیلانپور، ا. و همکاران، (۱۳۸۷)، محاسبه معیار کلی حمایت در بخش کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، گزارش طرح پژوهشی.
- مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، (۱۳۸۱)، *حمایت از بخش کشاورزی (اندازه و ابزارهای حمایت در کشورهای مختلف)*.

منابع لاتین

5. De Gorter, Harry, Merlinda Ingco, (2002),The AMS and Domestic Support in

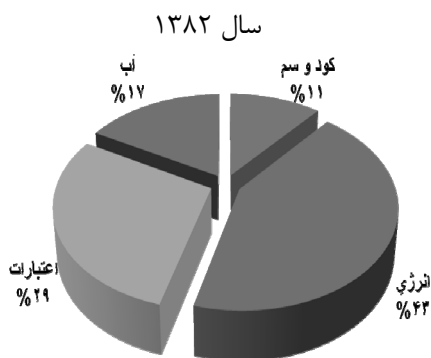
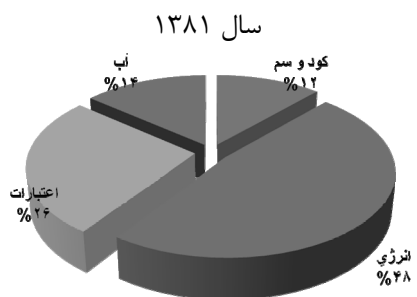
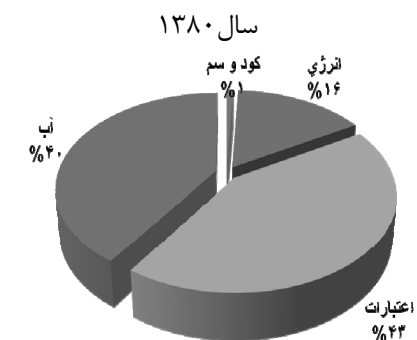
جدول (۲): میزان حمایت نهاده‌ای از بخش کشاورزی ایران به تفکیک نوع نهاده

میلیارد ریال

سال	کود و سم	انرژی	اعتبارات	آب
۱۳۸۰	۸۴	۱۵۸۸	۴۳۲۴	۴۱۰۲
۱۳۸۱	۲۴۴۲	۹۷۹۸	۵۴۰۸	۲۸۷۷
۱۳۸۲	۲۶۰۳	۹۹۴۲	۶۶۸۴	۳۹۱۶
۱۳۸۳	۵۱۸۲	۱۴۵۲۷	۶۵۴۹	۶۲۱۸
۱۳۸۴	۵۳۹۴	۲۸۷۲۰	۸۶۰۳	۳۲۲۵
۱۳۸۵	۷۶۹۳	۲۶۸۰۹	۴۴۹۶	۷۲۴۶

مأخذ: نتایج مطالعه

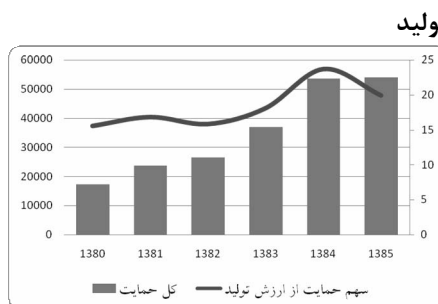
نمودار (۳): میزان حمایت نهاده‌ای از بخش کشاورزی ایران به تفکیک نوع نهاده



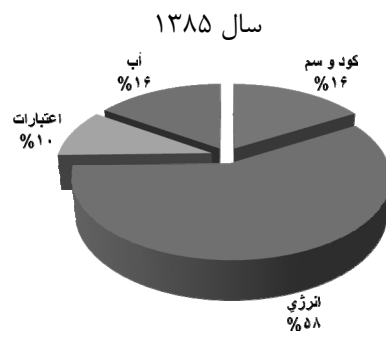
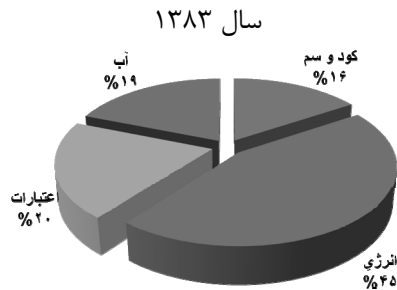
نمودار (۱): مقایسه رابطه بین معیار کلی حمایت و معیار تخمین حمایت از تولیدکننده



نمودار (۲): میزان حمایت از بخش کشاورزی ایران به تفکیک شیوه و سهم آن از ارزش تولید



مأخذ: نتایج مطالعه



مأخذ: نتایج مطالعه

